

# این کتاب کوچک مشکلات بزرگی دارد!

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، با مشارکت ستاد پنجمین نمایشگاه تصویرگران کتاب کودک، همایش بررسی مسایل کتاب کودک و نوجوان را در روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم آبان ماه، در فرهنگسرای نیاوران برگزار کرد.

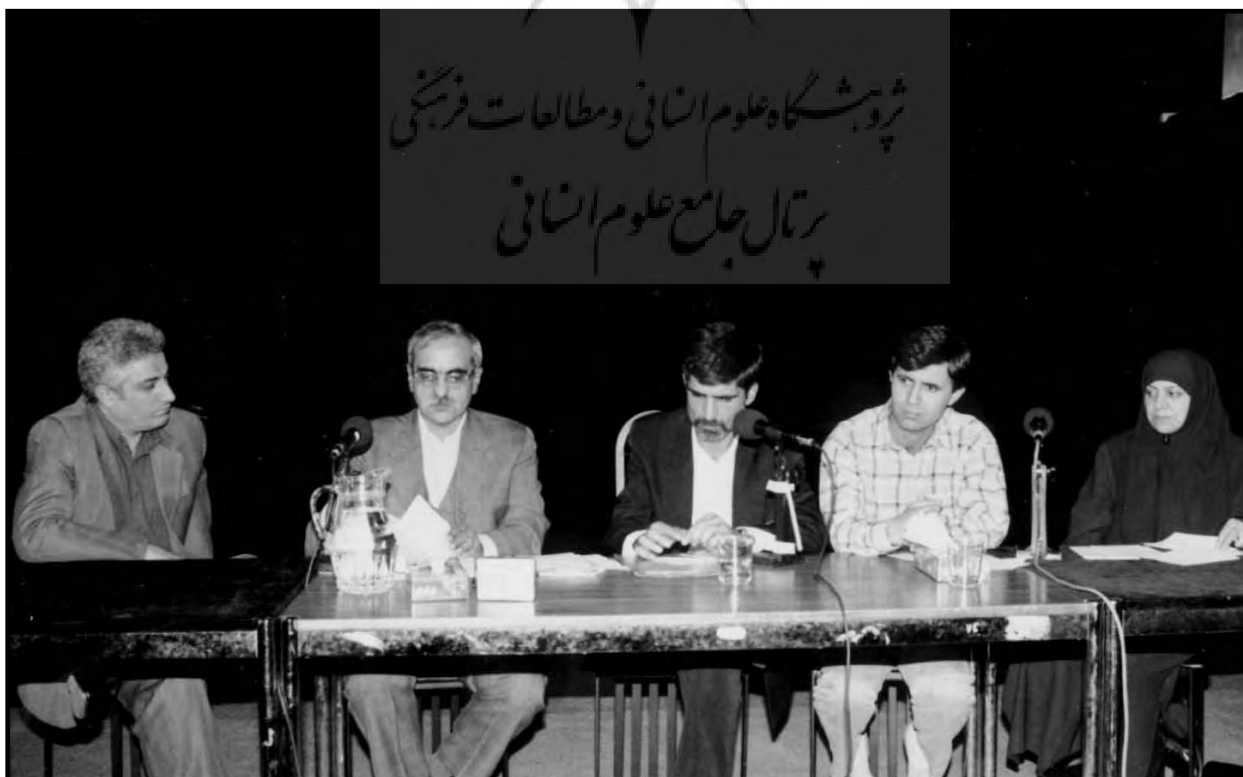
در این همایش سه روزه، کارشناسان، نویسندگان، منتقدان و ناشران کتابهای کودکان، «موانع انتشار و آینده کتابهای تصویری»، «کتابهای کودک و نوجوان و حمایت‌های دولتی» و «اینترنت و مخاطب کتاب کودک» را مورد بررسی قرار دادند.

واحدی را بسازند و باید با هم هماهنگ باشند.»  
دکتر پولادی، در تعریف کتاب تصویری، اظهار داشت: «کتاب تصویری در درجه اول، از پیوند عمیق و اندام‌وار بین نوشته و تصویر، به دست می‌آید. این پیوند اندام‌وار و ارگانیک بین تصویر و نوشته را نباید فراموش کرد.»

«بیشتر تصویرگران آماتور ما به این نکته توجه نمی‌کنند که کتاب تصویری اصول خاصی دارد و به عنوان یک ساختار یگانه باید موردتوجه قرار گیرد. کتاب تصویری از روی جلد کتاب شروع می‌شود، تمام صفحات کتاب را در برمی‌گیرد و در پشت جلد تمام می‌شود. همه این‌ها باید مجموعه

گزارشی از  
همایش سه روزه  
«بررسی مسایل کتاب  
کودک و نوجوان»

نویسنده، تصویرگر و ناشر سه جزء لاینفک کتاب کودک  
در نخستین روز این همایش، موانع انتشار و آینده کتابهای تصویری، به بحث گذاشته شد.  
در ابتدای این مراسم، دکتر کمال پولادی، در بحث آسیب‌شناسی کتابهای تصویری گفت:



وی در ادامه، با اشاره به تفاوت کتاب تصویری و کتاب مصور، گفت: «کتاب مصور از یک سلسله مطالب و چند تصویر تشکیل شده است. حتی می‌شود تصویرها را در متن کتاب نیاورد یا تمام تصویرها را در آخر کتاب آورد. چنین کتابی، کتاب مصور است و نه کتاب تصویری.»

پولادی در ادامه سخنانش، به تشریح قواعد کتاب‌های تصویری پرداخت. وی با اشاره به قواعد مربوط به جلد کتاب و قواعد رنگ‌ها گفت: «باتوجه به این صحبت‌ها، می‌شود روی این نکته تأکید کرد که باید کتاب تصویری را جدی گرفت. کتاب تصویری یک ساختار واحد دارد و با کتاب مصور متفاوت است. کتاب تصویری کتابی نیست که از یک سلسله نوشته و یک تعداد نقاشی در صفحات مختلف تشکیل شده باشد. پیوند نوشته و تصویر باید آن قدر غنی باشد که چشم خیلی راحت بتواند از نوشته به تصویر و از تصویر به نوشته سیر کند و هر جا که نوشته نمی‌تواند بیانگر موضوع داستان باشد، تصویر و تصویرگری به کمک کتاب و نویسنده بیاید.»

وی در پایان سخنانش گفت: «کتاب تصویرگری یک زبان خاص، یک رسانه خاص و یک شیوه بیانی خاص است که از پیوند ارگانیک تصویر و نوشته تشکیل شده؛ چیزی که در بسیاری از کتاب‌های ما اصولاً رعایت نشده است و فکر کرده‌اند که کتاب تصویری، یعنی یک سلسله نوشته و یک سری نقاشی.» پس از سخنان دکتر پولادی، میزگردی با حضور کریم نصر (تصویرگر و مدرس دانشگاه)، فریده خلعت‌بری (ناشر کتاب‌های کودکان و نوجوانان (نشر شباویز) و زهره قایینی (پژوهشگر و کارشناس کتاب کودک) برگزار شد.

کریم نصر، تصویرگر و مدرس دانشگاه، در این میزگرد بحث سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ را مطرح کرد و گفت: «چون سرمایه امکان فعالیت را به حوزه فرهنگ می‌دهد، اگر فرهنگ به آن سرمایه اجازه فعالیت ندهد، حوزه فعالیت خودش را عوض می‌کند. به این جهت، من شک دارم که نشر را فعالیتی فرهنگی بدانم.»

نصر در ادامه، با اشاره به حساسیت بالای حوزه نشر کودک و نوجوان، اظهار داشت: «پیشرفته‌ترین و دموکراتیک‌ترین کشورهای جهان هم قوانین سختی در این زمینه دارند که ناشر را محدود می‌کند. متولیان فرهنگی ما هم در سال‌های اولیه انقلاب، این برنامه را به درستی دنبال می‌کردند، اما هرچه که پیش آمدیم، با فشار فعالان حوزه صنعت فرهنگ، متولیان فرهنگی ما هم عقب‌نشینی کردند و میدان را خالی گذاشتند.» وی در پایان سخنانش، ضمن نامناسب

خواندن فضای نشر کشور گفت: «واقعیت این است که ناشر ما، امروز احتیاجی به چاپ کتاب فرهنگی ندارد. در این صورت، چرا انتظار داشته باشیم که کتاب خوب چاپ کند و از پدیدآورندگان کتاب حمایت کند؟ به هر صورت، با حمایت‌های همه جانبه‌ای که متولیان فرهنگی ما از دست‌اندرکاران فرهنگ کرده‌اند، عملاً تولید کتاب‌های فرهنگی نزول کرده است و من بعید می‌دانم که اگر به همین ترتیب پیش برود، چشم‌انداز روشنی داشته باشیم.»

فریده خلعت‌بری، ناشر کتاب‌های کودکان و نوجوانان نیز که در این میزگرد سخن می‌گفت، با اشاره به صنعت دانش کودک، سه جز اصلی را برای این صنعت معرفی کرد و گفت: «این سه جز مکمل هم هستند و ما نمی‌توانیم یکی از این‌ها را حذف کنیم و یا به یکی اهمیت بیشتری دهیم. شاید مشکل کتاب کودک و نوجوان در کشور ما از همین جا ناشی می‌شود که ما آمدم و این‌ها را از هم تفکیک کردیم. برای این که یک کتاب کودک و نوجوان موفق در این مملکت به وجود بیاید، احتیاج به یک نویسنده داریم که مطلب را بنویسد، بعد احتیاج به یک تصویرگر داریم که کمک کند برای بهتر تفهیم کردن مقصود و مفهومی که نویسنده می‌خواسته با نوشته‌اش به خواننده برساند و جزء سوم، ناشر است. ما الان ناشر را کنار می‌گذاریم. ما ناشر را با تاجر اشتباه می‌گیریم و فکر می‌کنیم ناشر کسی است که تجارت کتاب می‌کند.»

خلعت‌بری در بخش دیگری از سخنانش، مشکل انتشار و بازار کتاب‌های کودکان و نوجوانان را ناشی از عملکرد متولیان این حوزه دانست و گفت: «مشکل از وزارت ارشاد است. مشکل از تمام سازمان‌های دولتی است. مشکل از کسانی است که بودجه‌های کلان در اختیار دارند و فعالیت‌های فرهنگی ما را به بیراهه می‌کشاند. چرا؟ چون پول در اختیار دارند و خیلی راحت می‌توانند پول را در راه‌هایی که خودشان دل‌شان می‌خواهد، خرج کنند، از آثار غیرفرهنگی حمایت کنند و در نتیجه، نشر و فعالیت‌های فرهنگی را به بیراهه سوق دهند.»

زهره قایینی، کارشناس و پژوهشگر کتاب کودک و نوجوان، از تحقیقات خویش در بنیاد پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان ایران یاد کرد و گفت: «تمام سندهایی که ما در تحقیق مان بررسی کرده‌ایم، نشان می‌دهد که نشر در سال‌های بسیار دور، در ابتدای کار خود، بسیار آگاهانه شروع شد و توجه ناشران بیشتر به امور فرهنگی بود تا مسائل مالی. توجه به فرهنگ و توجه به اشاعه کتابخوانی در جامعه، برای آن‌ها اهمیت زیادی داشته. وقتی این سیر تاریخی را می‌گیریم و به

امروز می‌رسیم، می‌بینیم که متأسفانه وضع عوض شده، بنابراین، اگر کتاب خوب امروز به دست کودک و نوجوان ما نمی‌رسد، یکی از عواملش ناشران هستند.»

قایینی کتاب تصویری را پاسخگوی نیاز کودک عنوان کرد و افزود: «تعداد این کتاب‌ها خیلی کم است. حتی اگر کتاب‌هایی هم وارد شوند، متأسفانه توسط ناشران ناآگاه ما قلع و قمع می‌شوند.»

گفتنی است که در پایان این نشست، سخنرانان به پرسش‌های حاضران پاسخ دادند.

### حمایت‌هایی که حمایت نیست

«کتاب‌های کودک و نوجوان و حمایت‌های دولتی»، در دومین روز از این همایش به بحث گذاشته شد.

در ابتدای این نشست، علیرضا کرمانی، کارشناس کتاب کودک و نوجوان، ضمن ارایه تعریفی از سیاست‌های فرهنگی گفت: «سیاست فرهنگی مفهومی بسیار پیچیده و در بعضی موارد غیرقابل تعریف است. این پیچیدگی و غیرقابل تعریف بودن، متأثر از مفهوم فرهنگ و به تبع آن اهداف فرهنگی است.

فرهنگ‌شناسان، بیش از صدها تعریف برای واژه فرهنگ ارایه داده‌اند که هر کدام از این‌ها ناظر بر جنبه‌ای از ابعاد وجودی فرهنگ است و تا به حال هیچ تعریف جامع و مانعی ارایه نشده است. مشکل اصلی وقتی بروز می‌کند که در تعریف‌مان از فرهنگ، به اهداف و ارزش‌های فرهنگی، آن طور که باید و شاید نپردازیم و براساس تعریف محدود خودمان به آن نگاه کنیم.»

کرمانی در مورد سیاست‌های فرهنگی، در بخش کتاب کودک و نوجوان گفت: «واقعیت این است که اگرچه شکل کالایی کتاب، نسبت به خیلی از بخش‌های دیگر فرهنگ و محصولات آن بخش، شکل عینیت یافته‌تری دارد، ولی در سیاست‌های فرهنگی این ویژگی باعث نشده که ما سیاست‌های شفاف‌تری را در این زمینه شاهد باشیم. در مورد کتاب‌های کودکان، به دلیل هدف‌ها و رسالت‌های خاصی که اغلب سیاستگذاران ما برای این نوع کتاب‌ها در نظر می‌گیرند، این پیچیدگی چند لایه‌تر می‌شود.»

وی در ادامه، ضمن اشاره به این مطلب که در هیچ سند مکتوبی، در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور، به هدف نشر کتاب‌های کودک اشاره نشده است، گفت: «تنها سندی که اغلب مطرح و بسیار هم از آن انتقاد می‌شود (در زمینه اهداف و سیاست‌های دولت در حوزه کتاب کودک)، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است که تحت عنوان اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب



است. در این مصوبه، اهداف نشر کتاب به صورت عام بیان شده و در مورد کتاب کودک، به طور اختصاصی صحبت نشده، ولی در بیان وسایل رسیدن به این اهداف، بندی به کتاب‌های کودکان اختصاص پیدا کرده است.»

علیرضا کرمانی در ادامه افزود: «ما در دهه گذشته، شاهد اقداماتی از طرف جریان و سیاستگذاران حوزه امور فرهنگ بوده‌ایم که امروزه تحت عنوان سیاست‌های حمایتی، از آن نام می‌بریم؛ سیاست‌هایی که شاید با این نیت آن‌ها را شروع کردند که به اهداف ذکر شده در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی برسند.»

کرمانی سپس به اقدامات دولت براساس سیاست‌های ذکر شده در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره کرد. وی یکی دیگر از اهداف این مصوبه را حمایت از تألیف عنوان کرد و گفت: «متأسفانه آماری که ما در این زمینه داریم، نشان از وضعیت بهتری ندارد؛ یعنی سیاست‌ها به افزایش میزان دسترسی کودک و نوجوان ما به کتاب‌های تألیفی منجر نشده است. در طول سال ۷۷ به بعد، شاهد صعود نسبتاً خوبی بوده‌ایم، اما واقعیت این است که آن قدر این فراز و فرودها را دیده‌ایم که نمی‌دانیم آیا این شروع یک حرکت دائمی است یا این هم اتفاقی بوده مثل سایر اتفاقات مثلاً در سال ۶۳ یک دفعه سرانه تألیف به ۰/۷۱ جلد می‌رسد.»

کرمانی در پایان سخنانش گفت: «سیاست‌های ناشر محور دولت در این دوره، به نفع خود ناشران هم نبوده. به این معنا که یک دهه اجرای سیاست‌های دولتی به این منجر نشده که سازمان نشر کتاب در کشور ما پایدار و با ثبات شود. بعد از این همه سال، باید شاهد بنگاه‌های انتشاراتی باشیم که به معنای دقیق کلمه ناشر باشند. می‌خواهم بگویم که تعداد این‌ها خیلی کم است. نکته مهم‌تر درباره نتایج این سیاست‌ها برای ناشران، توزیع بسیار نامتعادل ناشران به لحاظ جغرافیایی است. من نمی‌گویم که تعداد ناشران تهرانی با شهرستانی باید مساوی شود، اما چون یکی از اهداف هر برنامه اجتماعی، گسترش عدالت اجتماعی است، می‌خواهم بگویم که بعد از اجرای این سیاست، ما شاهد این هستیم که نسبت ناشران شهرستانی به کل ناشران، افزایش پیدا کرده هیچ، کاهش هم پیدا کرده است!»

پس از سخنان علیرضا کرمانی، میزگردی با حضور عبدالعظیم فریدون، حسن کیابیان، وحید طوفانی و علی اصغر سیدآبادی برگزار شد. عبدالعظیم فریدون، ناشر کتاب‌های کودکان و نوجوان (نشر محراب قلم) ابتدا درباره حمایت‌های دولتی در حوزه نشر کتاب کودک گفت: «از دیدگاه

من، حضور دولت در بحث سیاست‌گذاری لازم است، ولی در بحث‌های دیگر ضروری نیست و گاهی هم مضر است. حمایت‌هایی هم که وجود دارد، به نظر من حمایت‌های تعریف شده‌ای نیست و به دلیل این که اعمال سلیقه در حمایت‌ها زیاد دیده می‌شود، باعث می‌شود که بخشی از ناشران منتفع شوند که تعداد این ناشران هم انگشت‌شمار است.

فریدون با اشاره به این که در کشورمان کتاب کودک و نوجوان نداریم، گفت: «کتاب‌هایی که الان منتشر می‌شود و دوستان فقط به آمارش بسنده می‌کنند، عمدتاً کتاب‌های کارتون، فوتو رمان و یا کمک درسی است. تقریباً همین سه موضوع در بازار معنا دارد. کتاب‌های تألیفی که تصویر هم داشته باشد،

بسیار قلیل است و یکی از جلوه‌های آن را می‌توانیم در همین نمایشگاه تصویرگران ببینیم. من وقتی این تصویرها را که می‌گویند در حدود ۵۰۰ تصویر است، دیدم متوجه شدم که برای بیشتر از ۱۰ ناشر کشور نیست. در حالی که ما در حدود ۲۰۰ ناشر کتاب کودک و نوجوان داریم.»

سید حسین کیابیان، عضو هیأت مدیره اتحادیه ناشران و مدیر نشر چشمه، تنها راه برون رفت از بحران کتاب را بالفعل کردن بازار کتاب در کشور ذکر کرد و گفت: «آمارها نشان می‌دهد که ما بالای ۸۰ درصد باسواد در کشور داریم. تعداد دانش‌آموزان ما در حدود ۲۰ میلیون نفر است. با این افراد تحصیل کرده‌ای که ما داریم، باید تیراژ کتاب‌های ما برای نوبت اول چاپ، بالای ۴۰ هزار نسخه باشد. چرا نیست؟ چون تنگناهایی وجود دارد که در کوتاه مدت نمی‌شود این‌ها را از بین برد. این، عزم و اراده گسترده و ملی می‌خواهد.»

کیابیان حمایت‌های دولت از فرهنگ را تنها مختص ایران ندانست و گفت: «واقعیت این است که حمایت از بخش فرهنگ، در اکثر کشورهای جهان وجود دارد. چون فرهنگ جنبه‌های اقتصادی ملموس و سریعی ندارد، دولت‌ها بخشی را هم به این اختصاص می‌دهند. همه جا هست و این‌جا هم طبیعی است و باید باشد، ولی رقابت



بسیار ناعادلانه است.»

کیابیان با اشاره به فعالیت‌های نادرست برخی از ناشران دولتی، گفت: «سازمان‌های موزی، به هرز رفتن نیرو و استفاده بد کردن از بازار بالقوه ۲۰ میلیونی دانش‌آموز و بازار بسیار بزرگ‌تر کودک و نوجوان در کشور ما، به نوعی رکود در توزیع و فروش کتاب منجر شده است.»

علی اصغر سیدآبادی، دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، منتقد و کارشناس کتاب کودک و نوجوان نیز با اشاره به حمایت دولتی در حوزه نشر کتاب کودک، گفت: «من معتقدم که ما نمی‌توانیم اسم این را حمایت بگذاریم. چون به قیمت فربه شدن بخشی از نشر و لاغر شدن بخش دیگری از نشر تمام می‌شود. از صنعت نشر حمایت نمی‌شود، از نوعی از کتاب‌ها حمایت می‌شود این در عرصه رقابت برای کل کتاب‌ها مضر است.»

سید آبادی در ادامه، تعداد ناشران ثبت شده را ۶ هزار ناشر عنوان کرد و اظهار داشت: «همه این‌ها ۶ هزار تا ناشر نیستند. من فکر نمی‌کنم تعداد ناشران فعال از رقم هزار بیشتر باشد. شاید بهتر باشد که اسم آن ۵ هزار تا را ناشر بگذاریم. آن‌ها به سودای چیز دیگری وارد بازار نشر شده‌اند.

این هم محصول حمایت‌های دولتی است.» وحید طوفانی، کارشناس مسایل فرهنگی کودکان و نوجوانان، با انتقاد از ناشران دولتی

کودکان و سایت آخری یک سایت کوچک و جمع و جور بود به اسم سایت کودکان زرتشتی. سه سایت جوانی نبود که من از جست و جویم بگیرم.» شادی صدر، در ادامه بحث ادبیات کودک و نوجوان و اینترنت، اظهار داشت: «مشکل اساسی ما این نیست که E-Book نداریم یا در فضای اینترنت ادبیات کودک تولید نمی‌شود. مشکل ما این است که نویسندگان کودک و نوجوان ما اصلاً با اینترنت آشنایی ندارند.»

صدر با اشاره به ناموفق بودن تجربه جهانی درباره کتاب الکترونیک گفت: «هنوز هم مشکلات اقتصادی نشر الکترونیک حل نشده است. ما در اینترنت دو جور کتاب داریم؛ کتاب‌هایی که کاملاً On-Line هستند و شما می‌توانید بدون این که هیچ مبلغی بپردازید، کتاب را در اینترنت بخوانید. تعداد این کتاب‌ها خیلی کم است. بخش دیگری از کتاب‌های الکترونیک، کتاب‌هایی هستند که باید برای استفاده از آن پول بپردازید.»

حسین بکایی در بخش دیگری از سخنانش، از سایت‌های نویسندگان کودک و نوجوان که در آن‌ها به ارایه آثار پرداخته می‌شود، یاد کرد و گفت: «به طور کلی در این که اینترنت خودش را به ما تحمیل می‌کند و ما باید خودمان را برای ورود به فضای جدید آماده کنیم، شکی نداریم.»

بکایی در ادامه افزود: «الان دوره‌ای آغاز می‌شود و فضایی به وجود می‌آید که کشورهای جهان سوم بتوانند در این فضا حضور فعالی داشته باشند. به این ترتیب، آن‌ها می‌توانند فاصله‌ها را سریع‌تر طی کنند.»

کاظم طلایی، تصویرگر کتاب کودک و نوجوان، از معایب کامپیوتر برای استفاده کودکان و نوجوانان یاد کرد و گفت: «از معایب مهمی که برای کامپیوتر و فن آوری جدید می‌گویند، این است که تعامل در آن نیست. کار مشارکتی در آن نیست. براساس آخرین تحقیقاتی که آمریکایی‌ها کرده‌اند، کسانی که از کامپیوتر استفاده می‌کنند، از نظر اطلاعات و آموزش در سطح خوبی هستند، ولی در شخصیت آن‌ها کار مشارکتی و گروهی نهادینه نشده و این یک آفت خیلی بزرگ است.»

طلایی یکی دیگر از نقاط ضعف کامپیوتر را دارا نبودن حس آموزش و لحن گفتاری ذکر کرد و افزود: «همه ما به می‌گویند که اگر قرار است در امر آموزش، از فن آوری و اینترنت استفاده کنید، باید کسی که معلم است، بر آن نظارت کند.»

کامپیوتر وسیله‌ای نیست که کامل در اختیار کودک قرار دهیم، ولی می‌تواند در مدارس به عنوان منبع استفاده شود و کسی که مسلط است، باید در کنار کودک باشد.»

آن، بر جنبه واقعی استفاده از آن‌ها می‌چربد و مهم‌تر این که امکان رشد و خلاقیت به مخاطب می‌دهد.»

رحماندوست دست‌یابی راحت کودکان به کتاب و منابع اطلاعاتی را یکی از ویژگی‌های اینترنت ذکر کرد و گفت: «در این مورد، بچه‌های ما مشکل زبان انگلیسی دارند و خواه ناخواه نمی‌توانند به این شکل از کتاب استفاده کنند، ولی با تعدد سایت‌های فارسی که در این‌جا و آن‌جا ایجاد می‌شود، در آینده‌ای نه چندان دور، تعداد کتاب‌های فارسی موجود در سایت‌ها زیاد خواهد شد. کما این که الان تمام دواوین شعرای بزرگ کلاسیک ما از طریق سایت‌ها در دسترس است.»

وی در ادامه افزود: «آیا وجود این کتاب سرگرم‌کننده، باعث نمی‌شود که سطح مطالعه پایین بیاید؟ این بحث، هر چند تازه به ما رسیده، اما در حدود ۱۰ سال می‌شود که در دنیا مطرح است و عده‌ای طرفدار این هستند که کتاب را از صحنه روزگار حذف کنند و با کمال تعجب، عده‌ای از این‌ها طرفدار محیط‌زیست هستند!»

در این ده ساله نتیجه‌ای که گرفته‌اند، این است که نه تنها تیراژ کتاب و سطح مطالعه کتاب با شیوه جدید اطلاع‌رسانی پایین نیامده، بلکه تعداد بیشتری را به مطالعه علاقه‌مند کرده است.»

حسین بکایی، منتقد و نویسنده کودک و نوجوان، پس از سخنان رحماندوست، به نقل از مقاله‌ای از شبکه اینترنتی بی. بی. سی، گفت:

«۸ سال پیش، دو هزار نفر در ایران امکان دسترسی به اینترنت را داشتند. امروز تعداد این‌ها یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر شده است و طبق اعلام مقامات رسمی، تا پنج سال آینده ۱۵ میلیون نفر از اینترنت استفاده خواهند کرد. سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود، این است که چند نفر از این‌ها کودک و نوجوان هستند؟»

شادی صدر، نویسنده کتاب کودک و نوجوان، یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در این جلسه بود. وی با اشاره به سایت‌های مربوط به کودکان در اینترنت گفت: «من فقط به سه سایت برخوردم؛ یکی از این‌ها، سایت دوستانه، دیگری سایت



گفت: «اگر این‌ها کنار بروند، نشر کتاب کودک به هیچ حمایتی احتیاج ندارد. بحث سیاست‌گذاری هم نباید شکل مطلق دولتی داشته باشد. باید نظر تمام کسانی که در این موضوع دخیل هستند، لحاظ شود. ما باید به نشر دولتی حمله کنیم. من نمی‌دانم چگونه. هیچ کس نمی‌خواهد این کار را بکند؛ چون کسانی که در نشر دولتی هستند، بسیار بزرگند؛ مثل آموزش و پرورش یا کانون. همه می‌خواهیم فرار کنیم. من نمی‌دانم چرا باید جمع شما این قدر کوچک باشد؟ چرا نباید مثلاً مدیر کل‌های مربوطه از آموزش و پرورش در این‌جا باشند؟ چرا کانون نباید این‌جا باشد؟ چرا نباید خود وزیر آموزش و پرورش پاسخگو باشد؟»

#### آیا این کتاب جدید...؟!

در سومین روز این همایش، درباره اینترنت و مخاطب کتاب کودک و نوجوان بحث شد.

مصطفی رحماندوست، شاعر، نویسنده کودک و نوجوان و مسئول سایت دوستانه، در ابتدای سخنانش با اشاره به کتاب‌های بدون حق کپی‌رایت، گفت: «این کتاب‌ها همه وارد سایت‌های E-Book می‌شوند. در این بخش به بچه این امکان داده می‌شود که در کتاب تغییر ایجاد کند و یک کتاب جدید به وجود بیاورد. با این حساب، می‌شود گفت که ما در اینترنت کتاب‌ها و کتابخانه‌هایی داریم، هم با کاربردهای سنتی کتاب و هم با کاربردهای جدید که گاهی جنبه سرگرمی